

مفاهیم و شاخص‌های بازار کار: با تاکید بر ضابطه یک ساعت کار در هفته

نریمان یوسفی، معصومه محمدی طاری، ندا مصطفوی، محمدرضا حطیطه، فردین شاه‌محمدی

۱- کلیات

از حیث موضوعی و به‌طور سنتی بیکاری را پدیده‌ای اقتصادی و متناظر با آن نرخ بیکاری را شاخصی اقتصادی قلمداد می‌کنند. این گفتار فقط با این پیش‌فرض که بیکاری از حیث علل و پیامدها از دیگر ابعاد زندگی اجتماعی جدا است، می‌تواند درست باشد. در حالی که واقعیت این است که هم در نظر و هم در عمل این مقوله از نظر تاثیرپذیری و تاثیرگذاری به شدت از عوامل غیراقتصادی متأثر است. خط سیر تکوین و پختگی این تفکر و بحث‌های متناظر با آن علاوه بر این‌که در مباحث اقتصاد نهادی، جامعه‌شناسی اقتصادی و ... نمایان است، در عمل نیز در توسعه و تکامل شاخص‌های کمی و کیفی سنجش بازار کار آشکار است. به‌گونه‌ای که فهم جامع و باورپذیری افکار عمومی در ارتباط با آمارهای بازار کار فقط با ملاحظه‌ی هم‌زمان نرخ بیکاری و سایر شاخص‌ها مکمل میسر است.

نظر به عمومیت و اهمیت این موضوع در بین جوامع، مراکز آماری دنیا در تولید اطلاعات آماری استانداردها و روش‌های بین‌المللی را رعایت می‌کنند. به این ترتیب، علاوه بر تامین نیازهای آماری کشورها بر اساس اصول علمی توافق شده، جایگاه آنان نیز در سطح بین‌المللی مشخص می‌شود. با وجود این تمهیدات، هنوز یکی از چالش‌هایی که معمولاً مراکز آماری دنیا با آن رو به رو هستند عدم انطباق شاخص‌های آماری بازار کار با درک و احساس مردم از وضعیت جاری کشورشان است.

به همین علت، در نشست آمارشناسان طرح نیروی کار که هر پنج سال یکبار در مقر سازمان بین‌المللی کار^۱ برگزار می‌شود، استانداردهای مربوط به بازار کار با نظر متخصصین بازار کار کشورهای عضو مشخص، بازنگری و تصویب می‌شود و سپس کشورها آن تعاریف را به کار گرفته و شاخص‌های بازار کار را تولید می‌نمایند. همسو با استانداردهای بین‌المللی، مرکز آمار ایران نیز با طراحی و اجرای طرح آمارگیری نیروی کار از سال ۱۳۸۴ تاکنون آمارهای بازار کار را بر اساس آخرین استانداردهای سازمان بین‌المللی کار (ILO, 1982) تولید و منتشر می‌کند.^۲ آمارگیری مذکور در ماه میانی هر فصل با نمونه حدود ۶۰۰۰۰ خانوار در نقاط شهری و روستایی سراسر کشور اجرا می‌شود.

^۱ - International Labor Organization (ILO)

^۲ - پیش از این طرح، آمارهای بازار کار از نتایج طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار (۸۳-۱۳۷۶)، سرشماری‌ها و آمارگیری‌های موردی تولید می‌شد.

شناخت وضعیت جاری شاخص‌های بازار کار در کل کشور و استان‌ها به منظور تدوین برنامه‌های توسعه و تعیین جایگاه کشور در بین سایر کشورها از نظر شاخص‌های نیروی کار از جمله ضرورت‌های اجرای این طرح است.

بنابراین، تولید آمارهای بازار کار و تعیین وضعیت جاری ویژگی‌های جمعیت فعال، شاغل و بیکار در کل کشور، نقاط شهری و روستایی و استان‌ها هدف این طرح است که از طریق برآوردهای زیر تامین می‌شود:

- میزان فصلی شاخص‌های نیروی کار در سطح کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی
- میزان سالانه‌ی شاخص‌های نیروی کار در سطح کل کشور، نقاط شهری، نقاط روستایی و استان
- تعداد سالانه‌ی شاخص‌های نیروی کار در سطح کل کشور، نقاط شهری، نقاط روستایی و استان
- تغییرات میزان شاخص‌ها در دو فصل متوالی / دو فصل یکسان از دو سال متوالی در سطح کل کشور، نقاط شهری و روستایی
- برآورد تغییرات میزان شاخص‌های نیروی کار در دو سال متوالی در سطح کل کشور، نقاط شهری، نقاط روستایی و استان (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

نوشتار حاضر بر آن است با رویکردی اطلاع‌رسانی، ضمن تشریح مفاهیم فنی، کاربردها و جوانب اقتصادی آمارهای بازار کار، به تعابیر و نقدهای اجتماعی مترتب پاسخ و توضیحات لازم را ارائه دهد، به‌گونه‌ای که در پایان، خواننده‌ی متن در ارتباط با سوالات زیر اطلاع کافی کسب کرده باشد:

- در سیستم حسابداری ملی (اقتصاد کلان) رابطه اشتغال و تولید چگونه است؟
- ظرفیت بالقوه و بالفعل بازار کار کشور چقدر است؟
- دلایل معیار یک‌ساعت کار در هفته در تعیین وضعیت اشتغال افراد چیست؟
- آیا ساعات کار کم‌تر از استاندارد می‌تواند برای معیشت افراد کافی باشد؟ و اصولاً رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟
- آیا بر اساس داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار می‌توان برآوردی از مشخصات افرادی که به‌واسطه شغل‌شان، معیشت آنان مشکل دارد، ارائه کرد؟
- نقش شاخص‌های مکمل در باورپذیری عامه‌ی مردم به نرخ بیکاری چیست؟

۲- اقتصاد و آمارهای بازار کار

۲-۱- تولید و اشتغال

اقتصاددانان برای فهم وضعیت اقتصادی معمولاً شاخص‌های اقتصادی مختلف از جمله نرخ بیکاری، رشد اقتصادی، نرخ تورم و ... را با هم می‌بینند. از جمله این موارد، ارتباط بین حجم تولید و حجم اشتغال است. اندازه‌گیری اشتغال، شاخص عرضه کار در اقتصاد است که نمایانگر تعداد افرادی است که در تولید

ملی شرکت دارند. آمار اشتغال همراه با داده‌های تولید، اندازه‌گیری بهره‌وری کار و کشش اشتغال را میسر می‌سازد (مهران، ۱۳۹۱، ۵).

از این‌رو، یکی از اهداف اصلی آمارگیری‌های نیروی کار اندازه‌گیری حجم کار/حجم اشتغال است و بایستی هر فعالیتی که در محدوده تولید سیستم حسابداری ملی به‌عنوان کار تلقی می‌گردد، در سنجش اشتغال نیز لحاظ شود (هوسمانر، ۱۳۷۵، ۸۰). اهمیت اندازه‌گیری حجم اشتغال در روش‌شناسی توصیه شده توسط سازمان بین‌المللی کار کاملاً روشن است. به‌گونه‌ای که در سنجش وضع فعالیت افراد به‌ترتیب اولویت، نخست افراد شاغل، سپس بیکار و در نهایت غیرفعال شناسایی می‌شوند. این اصل در سنجش وضعیت فعالیت افراد "قانون ارجحیت"^۳ در سنجش وضع فعالیت اقتصادی^۴ نامیده می‌شود (United Nations, 2008, 154). به‌عبارتی اصول طراحی شده تأکید موکد دارد که حداقل کار انجام شده که در ازای آن تولید صورت گرفته است، اندازه‌گیری شود. بدیهی است، فردی که کار مذکور را انجام داده باشد، شاغل به حساب می‌آید.

برای این مهم، در سیزدهمین نشست آمارشناسان نیروی کار که در اکتبر ۱۹۸۲ برگزار شد، در تعریف کار به معیار یک‌ساعت کار اشاره شده است. در این نشست در تعریف کار، به مفهوم "مقداری کار"^۴ اشاره شده است. به این صورت که افرادی شاغل به حساب می‌آیند که در سن کار باشند و در طول دوره‌ی کوتاه مدت مشخص، یک روز یا یک هفته، مقداری کار انجام داده باشند (International Labour Organisation, 1983, 16). در ادامه اشاره شده است که به‌منظور عملیاتی کردن مفهوم "مقداری کار"، معیار حداقل یک ساعت کار در هفته وضع شده است.

بنابراین، تمام افراد در سن کار (۱۰ ساله و بیش‌تر؛ حداقل سن تعیین شده) که در طول هفته‌ی مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک‌ساعت کار کرده یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. شاغلان به‌طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق‌بگیران و خوداشتغالان هستند. ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی، برای مزد و حقوق‌بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان، به‌عنوان اشتغال محسوب می‌شود. افراد زیر نیز به‌لحاظ اهمیتی که در فعالیت اقتصادی کشور دارند، شاغل محسوب می‌شوند:

- افرادی که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند، کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد).
- کارآموزانی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی مستقیماً در تولید کالا یا ارائه خدمات سهیم هستند و فعالیت آن‌ها "کار" محسوب می‌شود.
- محصلانی که در هفته مرجع مطابق تعریف، کار کرده‌اند.
- تمام افرادی که در نیروهای مسلح به‌صورت کادر دائم یا موقت خدمت می‌کنند (نیروهای مسلح

³ - priority rule

⁴ - some work

پرسنل کادر و سربازان، درجه‌داران، افسران وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی). (راهنمای آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۵، ۷۸-۷۷)

- به این ترتیب مرز اشتغال از غیر اشتغال انجام حداقل یک ساعت کار در هفته است. در مدارک و مستندات سازمان بین‌المللی کار در رابطه با چرایی انتخاب معیار یک ساعت کار به شرح زیر توضیحاتی داده شده است:
- معیار یک ساعت کار در تعریف اشتغال، پوشش تمامی انواع اشتغال موجود در یک کشور شامل کار کوتاه‌مدت، کار غیرمستمر، کار کمکی و سایر اشکال بی‌قاعده‌ی اشتغال است.
 - هم‌چنین، در صورتی که حجم تولید در اقتصاد وابسته به اشتغال باشد وجود این معیار ضروری است. اتخاذ تدابیر لازم در خصوص اشتغال، در رابطه با برنامه‌ریزی نیروی کار و بهره‌وری نیز مانند سایر تحلیل‌ها مستلزم مرتبط ساختن میزان تولید در یک صنعت و نهاده‌ی نیروی کار در تولید است. مجموع نهاده‌ی نیروی کار بر اساس اطلاعات مربوط به تعداد افراد شاغل و ساعت کار انجام شده سنجیده می‌شود. از آن‌جا که تمام تولیداتی که در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرند در کل مشمول حسابداری ملی می‌گردند، لذا نیروی کار وابسته به آن نیز حتی چنان‌چه ساعت کار انجام شده ناچیز باشد مورد محاسبه واقع خواهد شد. در صورتی که در تعریف اشتغال حداقل ساعت کار افزایش یابد سنجش غیر واقعی و تحلیل‌ها نادرست خواهد بود.
 - معیار یک ساعت کار در تعریف اشتغال هم‌چنین زیربنای تعریف بیکاری به‌عنوان وضعیتی مبتنی بر فقدان کلی کار است. در چارچوب نیروی کار، تعریف اشتغال و بیکاری با یکدیگر مرتبط است. به این ترتیب افزایش حداقل ساعت کار در تعریف اشتغال، به بیکاری نیز تسری یافته و بیکاری دیگر به مفهوم وضعیتی مبتنی بر فقدان کلی انجام کار، نخواهد بود. (هوسمانز و همکاران، ۱۳۷۳، ۸۲-۸۱).

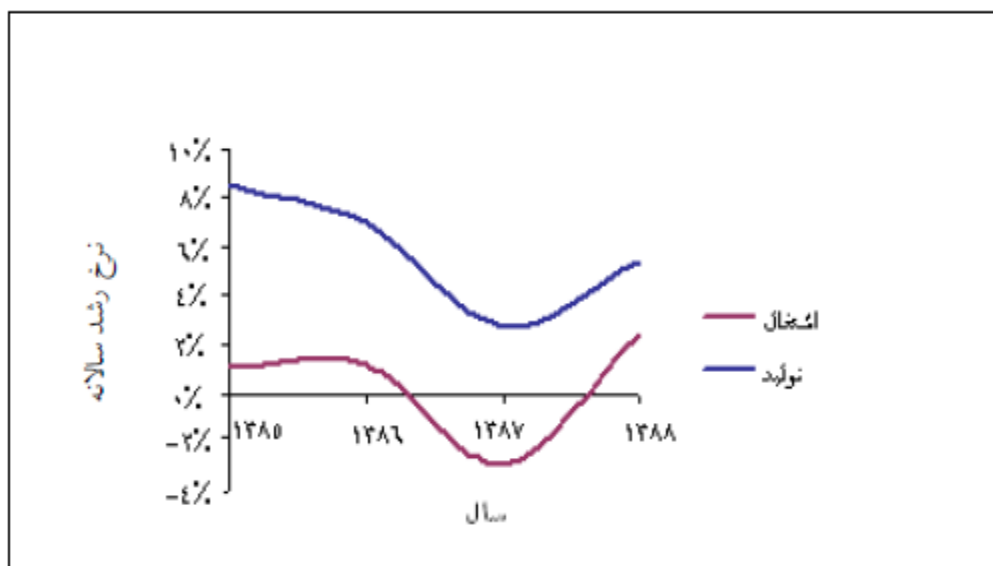
در حالی که مرز اقتصاددانان در تفکیک شاغل از غیر شاغل مشارکت/عدم مشارکت مطلق در تولید کالا و خدمات است، دیگران (غیراقتصادی‌ها) دامنه مفهوم اشتغال را گسترده‌تر دیده و مقولاتی همچون مقدار کار انجام شده، درآمد حاصله، کیفیت کار و ... را علاوه بر مشارکت در تولید، لحاظ می‌کنند. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در تئوری‌های اقتصادی آمار حجم اشتغال و برقراری رابطه بین تولید و حجم اشتغال مهم است و بایستی لحاظ شود (همان، ۱۷۱)، امری که در طیف غیراقتصادی‌ها مهم نیست. یک مثال ساده به کاربرد آمار حجم اشتغال کمک می‌کند. یک کارگاه را تصور کنید که ظرفیت تولید آن ۱۰۰ واحد در روز باشد و این حجم تولید با ۲۰ نفر در یک شیفت کاری محقق شود. حال اگر بنا به افزایش تقاضای بازار برای محصول این کارگاه، مدیریت تصمیم بگیرد که حجم تولید را به ۲۰۰ واحد در روز افزایش دهد دو راه برای تامین نیروی انسانی وجود دارد. استفاده از کارگران موجود با یک شیفت اضافه کاری و یا استخدام ۲۰ نفر دیگر برای شیفت جدید. در این مثال، آنچه برای اقتصاددانان مهم است این است که در حالی که ۱۰۰ واحد محصول تولید می‌شد حجم اشتغال ۲۰ نفر و زمانی که ۲۰۰ واحد محصول تولید می‌شود، ۴۰ نفر به درستی احصاء شود. این مثال بیان می‌کند درحالی که باید حداقل کار افراد (حتی به مدت یک ساعت) سنجش شود بایستی اضافه کاری افراد (کار بیش از حد انتظار) نیز به حساب آید، چرا که

در سیستم حسابداری ملی حجم اشتغال یا نفر روز شاغل^۵ مهم است. بنابراین، در صورتی که همان ۲۰ نفر دو شیفت کار کنند، تعداد شاغلین ۲۰ نفر و تعداد شاغلین استاندارد ۴۰ نفر روز است.

بنابراین، به منظور اندازه‌گیری حجم اشتغال، لحاظ نمودن تعداد افراد شاغلی که حداقل مقداری کار انجام داده‌اند، اعم از پاره وقت، تمام وقت و با اضافه کار ضرورت دارد. در این صورت، "برآورد تعداد شاغلان" و "برآورد حجم اشتغال/ نفر ساعت کار انجام شده" میسر خواهد شد. اگر پس از برآورد "نفر ساعت کار انجام شده" این برآورد به ساعت کار یک شاغل تمام وقت/ شاغل استاندارد (بر اساس قانون کار معادل ۴۴ ساعت است) تقسیم شود، برآوردی از تعداد "نفر شاغل تمام وقت" به دست می‌آید. عدد حاصل بیانگر آن است که این حجم از کار انجام شده توسط چند نفر شاغل تمام وقت صورت گرفته است.

این مباحث، می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای دقت سنجش آمارگیری‌های نیروی کار و کیفیت نتایج آن مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، در سال ۱۳۹۱ طرحی با عنوان اندازه‌گیری خطاهای طرح نیروی کار انجام شده که بر صحت سنجش و کیفیت نتایج طرح نیروی کار صحنه گذشته است (نمودارهای شماره ۱ و ۲).

نمودار ۱- مقایسه رشد اشتغال و تولید

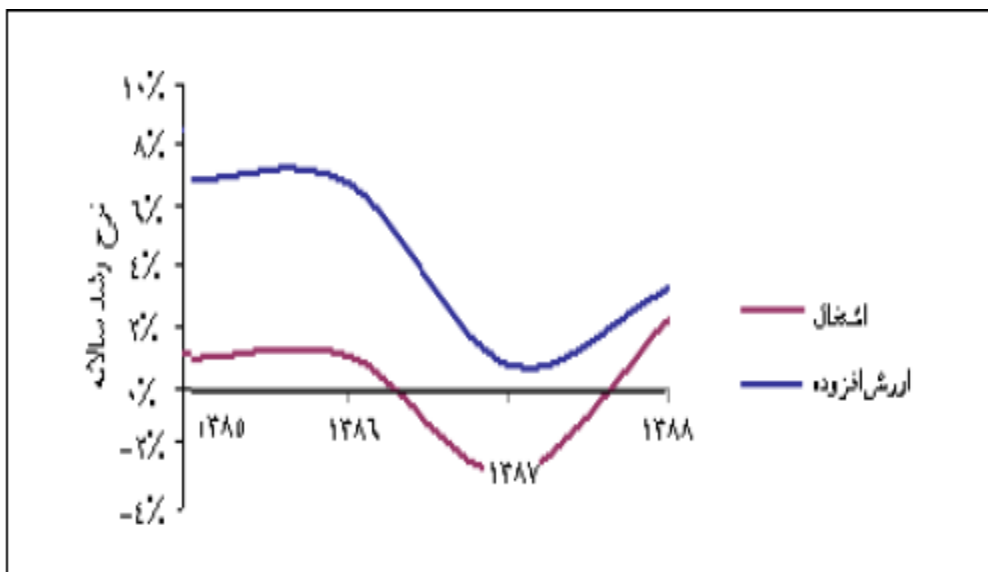


ماخذ: مهران، ۱۳۹۱، ۷۵

همانطور که انتظار می‌رود نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد آمار اشتغال نیروی کار با آمار تولید حساب‌های ملی سازگاری دارد و به خوبی دیده می‌شود رشد اشتغال و تولید بر اساس ستانده یا ارزش افزوده به‌طور موازی حرکت می‌کنند. به عبارتی، عملکرد اقتصادی کشور در سال‌های مورد بررسی با میزان برآورد شده اشتغال در سال‌های مذکور هم‌خوانی دارد.

^۵ - نفر روز شاغل با مفاهیمی دیگر از جمله نفر شاغل تیبیکال، نفر شاغل استاندارد و ... نیز نامیده می‌شود. همچنین بنا به نیاز محققین و برنامه‌ریزان، می‌توان "حجم کار انجام شده" را علاوه بر نفر روز شاغل، نفر هفته شاغل، نفر ماه شاغل، نفر سال شاغل و نفر ساعت شاغل لحاظ نمود.

نمودار ۲- مقایسه رشد اشتغال و ارزش افزوده



ماخذ: مهران، ۱۳۹۱، ۷۵

جدول شماره ۱ برآورد جمعیت شاغل و نفر ساعت شاغل بر حسب ساعات کار را بر اساس نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که برآورد تعداد شاغلان با ملاک یک ساعت کار در هفته، با برآورد نفر ساعت شاغل استاندارد بسیار نزدیک و تفاوت معناداری ندارند و دلیل آن این است که کم کاری بخشی از شاغلان (شاغلان با ساعت کار کمتر از ۴۴ ساعت کار در هفته) توسط اضافه کاری بخش دیگری از شاغلان (شاغلان با ساعت کار بیش تر از ۴۴ ساعت کار در هفته) پوشش داده می‌شود. همانطوری که در این جدول مشاهده می شود در سال ۱۳۹۵، ۲۲۵۸۸۰۵۳ نفر شاغل وجود داشته است که این افراد ۹۶۲۳۰۱۶۶۶ نفر ساعت کار^۶ کرده‌اند. بدیهی است این عدد شامل همه ساعات کار اعم از استاندارد، بیش از استاندارد و کم تر از استاندارد است. حال اگر این عدد بر ساعات کار استاندارد تقسیم شود به ۲۱۸۷۰۴۹۲ نفر شاغل استاندارد خواهیم رسید، که این عدد بیشتر از ۲۱۵۱۶۴۳۶ شاغلانی که در هفته مرجع کار کرده‌اند و اندکی کم تر از همه شاغلان (اعم از کار کرده و غایب موقت) یعنی ۲۲۵۸۸۰۵۳ است. در حالی که عدد شاغل و نفر شاغل تقریباً برابر است، تفسیر آن این است که انگار ۲۲۵۸۸۰۵۳ نفر شاغل استاندارد وجود دارد که در این بین کم کاری افراد با ساعات کار کم تر از استاندارد و غایب موقتها با ساعات کار اضافی افرادی که بالاتر از استاندارد کار کرده‌اند پوشش داده می‌شود. در ارتباط با سیستم حسابداری ملی دقیقاً همین نفر شاغل استاندارد/ حجم کار مهم است. لازم به ذکر است در حالی که ۴۵ درصد شاغلین کم تر از ۴۴ ساعت کار کرده‌اند، ۶۸ درصد آن‌ها تمایلی به افزایش ساعات کار خود نداشته‌اند.

^۶ - ساعت کار واقعی

جدول ۱- برآورد جمعیت، نفر ساعت با تفکیک ساعات کار در سال ۱۳۹۵

شرح	جمعیت	نفر ساعت	میانگین ساعت کار
شاغل	۲۲۵۸۸۰۵۳	۹۶۲۳۰۱۶۶۶	۴۲,۶
شاغلانی که در هفته مرجع کار کرده‌اند (بدون غایب موقت)	۲۱۵۱۶۴۳۶	۹۶۲۳۰۱۶۶۶	۴۴,۷
شاغلانی که ۱-۴۳ ساعت در هفته مرجع کار کرده‌اند	۹۰۹۴۸۹۳	۲۵۱۷۷۵۰۲۷	۲۲,۷
شاغل ۱-۴۳ ساعت و عدم تمایل به افزایش ساعات کار	۶۱۸۹۰۹۸	۱۸۱۵۷۸۴۷۶	۲۹,۳
شاغل ۱-۴۳ ساعت و تمایل به افزایش ساعات کار	۲۹۰۵۷۷۰	۷۰۱۹۶۰۰۵	۲۴,۲
شاغلان با ۴۴ ساعت کار و بیش‌تر	۱۲۴۲۱۵۴۳	۷۱۰۵۳۶۶۳۹	۵۷,۲
شاغلان کم‌تر از ۱۶ ساعت کار (۲ روز کار)	۱۷۸۷۷۳	۱۴۷۳۸۷۹	۸,۲
شاغلان با ۱۶-۴۳ ساعت کار	۷۶۲۱۰۱۴	۲۳۷۳۳۵۲۹۳	۳۱,۱

۲-۲- ظرفیت استفاده نشده بازار کار کشور

بر اساس نتایج آمارگیری نیروی کار جمعیت در سن کار کشور در سال ۱۳۹۵، ۶۵۳۸۵۴۱۳ برآورد شده است که از این تعداد ۳۹,۴ درصد (۲۵۷۹۱۴۵۰ نفر) به لحاظ اقتصادی فعال بوده‌اند. به عبارتی، ظرفیت فعال^۷ بازار کار کشور در سال ۱۳۹۵، ۱۱۳۴۸۲۳۸۰۰ نفر ساعت استاندارد نیروی کار در هفته برآورد می‌شود. از این مقدار، برآورد ظرفیت محقق شده (اشتغال شاغلان حاضر در هفته مرجع) ۹۶۲۳۰۱۶۶۶ نفر ساعت و برآورد ظرفیت استفاده نشده (بیکاری و اشتغال ناقص زمانی) ۲۰۶۰۵۹۱۱۱ ساعت است. از آنجایی که نظریه ساعات کار مستقیماً در ارتباط با مفهوم اشتغال قرار دارد (هوسمانز، ۱۳۷۳، ۹۶)، بدیهی است اختلاف در سرجمع "ظرفیت محقق شده" و "ظرفیت استفاده نشده" با "ظرفیت کل بازار کار" ناشی از در دسترس نبودن ساعات کار احتمالی شاغلان غایب موقت از کار در هفته مرجع آمارگیری است. به عبارتی، ظرفیت استفاده نشده ۱۸/۲ درصد است. براساس محاسبات، در حالی که برآورد تعداد بیکاران ۳۲۰۳۳۹۸ نفر است، برآورد ظرفیت بیکاری/ نفر بیکار استاندارد کشور ۴۶۸۳۱۶۲ است. نفر بیکار استاندارد سرجمع ساعات تمایل به اشتغال افراد به‌طور مطلق بیکار^۸ و ما به تفاوت ساعات کار اشتغال افراد دارای اشتغال ناقص زمانی از کل ظرفیت اشتغال استاندارد آنان، تقسیم بر ساعت کار استاندارد (۴۴ ساعت در هفته) است (جدول ۲). به‌طور کلی در حالی که نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۵، ۱۲/۴ درصد برآورد شده است، اما حدود ۵ درصد بیش از این ظرفیت بالقوه اشتغال کشور بدون استفاده مانده است.

^۷ - ظرفیت فعال، همان ظرفیت بالقوه و بالفعل بازار کار است. تعداد افراد فعال ضربدر تعداد ساعت کار استاندارد (۴۴ ساعت) ظرفیت فعال بازار کار است.

^۸ - بر اساس تجربی ثابت شده است که برآورد ساعات کار تمایلی بیکاران بیش‌گویی over estimate دارد.

جدول ۲- برآورد ظرفیت بالقوه و بالفعل بازار کار کشور در سال ۱۳۹۵

واحد	مقدار	شرح
نفر	۶۵۳۸۵۱۳	جمعیت در سن کار
نفر	۲۲۵۸۸۰۵۲	جمعیت شاغل
نفر	۳۳۰۳۳۹۸	جمعیت بیکار
نفر	۲۵۷۹۱۴۵۰	جمعیت فعال
نفر	۳۹۵۹۳۹۶۳	جمعیت غیرفعال
نرخ	۳۹,۴	نرخ مشارکت اقتصادی
نرخ	۱۲,۴	نرخ بیکاری
ساعت	۱۱۳۴۸۳۳۸۰۰	ظرفیت فعال بازار کار (جمعیت فعال * ۴۴ ساعت)
ساعت	۹۶۳۳۰۱۶۶۶	ظرفیت بالفعل استاندارد (اشتغال حاصل از ساعت کار واقعی شاغلان)
ساعت	۱۴۸۴۰۱۲۳۶	ساعت بیکاری استاندارد شده (بر اساس ساعت تمایلی افراد به طور مطلق بیکار)
ساعت	۲۰۶۰۵۹۱۱۱	ظرفیت بالقوه بازار کار (افراد به طور مطلق بیکار و افراد داری اشتغال ناقص زمانی)
درصد	۱۸/۲	ظرفیت بالقوه بازار کار

۲-۳- معیشت و ساعت کار

عدم تناسب اشتغال ممکن است ناشی از عوامل گوناگونی باشد که در میان آن‌ها حجم ناکافی اشتغال (بر حسب ساعات کار) و نرخ پایین مزد از بارزترین آن‌ها می‌باشد. آمارهای اشتغال ناقص به طور مشخص فقط حجم ناکافی اشتغال را مشخص می‌سازد، ولیکن اطلاعات در مورد ناکافی بودن درآمد ناشی از اشتغال و جنبه‌های اجتماعی آن احصاء نمی‌شود. محدودیت اشتغال ناقص به عنوان شاخصی اجتماعی به وضوح هنگامی معلوم می‌گردد که افرادی با وجود ساعات کار تمام وقت، دارای درآمد پایینی بوده و در جستجوی کار اضافی باشند. همچنین، در رابطه با افراد خوداشتغال فقدان تقاضا موجب کار کمتر و در نتیجه درآمد پایین می‌شود و بدیهی است ساعت کار باعث درآمد نیست (هوسمانز، ۱۳۷۳، ۱۶۹).

به طور کلی، بین وضعیت اشتغال و مشکلات اقتصادی رابطه ساده‌ای وجود نداشته و روابط پیچیده‌ای در این باره وجود دارد. مثلاً، بسیاری از کارگران با درآمد پایین در خانوارهایی زندگی می‌کنند که درآمد کل آن به علت درآمد سایر اعضای خانوار پایین نیست و یا اینکه دارای منابع کسب درآمد دیگری نیز می‌باشند. همچنین، ممکن است وضعیت‌هایی وجود داشته باشد که درآمد سرپرست خانوار به تنهایی پایین نباشد، ولیکن به دلیل تعداد افراد خانوار برای تامین نیازهای آن کفایت نکند و منابع کسب درآمد دیگری نیز وجود نداشته باشد. به این ترتیب، ارزیابی مشکلات

اقتصادی مرتبط با اشتغال نه تنها مستلزم سنجش وضعیت اشتغال و درآمد است، بلکه نیازمند سنجش شرایط خانوار آنان نیز می‌باشد (همان، ۱۷۰).

بنابراین، کمیت و کیفیت معیشت خانوارها از عوامل متعددی متاثر است که یکی از آنها می‌تواند مقدار ساعات کار افراد باشد. به همان سان که ساعت کار کمتر از استاندارد می‌تواند معیشت و زندگی افراد را تحت شعاع قرار دهد، ساعات کار اضافی نیز نمی‌تواند دال بر تطابق هزینه‌های معیشت با ساعت کار باشد. علاوه بر این، احساس ناهمخوانی درآمد حاصل از کار با معیشت از حیث سبک زندگی امری منحصر و پیچیده است و چه بسا دو نفر شاغل با کار از هر لحاظ یکسان (نوع، ساعت و درآمد و ...) به لحاظ خانوادگی وضعیت معیشتی متفاوتی را تجربه نمایند. این بدان معنی است که اشتغال و درآمد حاصله از آن صفتی فردی و معیشت خصیصه‌ای خانواری است (همان، ۱۷۷). از این رو است که در مثال مذکور، این ناهمخوانی می‌تواند به واسطه بعد خانوار، اشتغال سایر افراد خانوار، الگوی مصرف و ... باشد. به تعبیر روش‌شناختی، واحد مشاهده و واحد تحلیل در اشتغال فرد (سطح خرد) است و در معیشت، خانوار (سطح میانه) است. هرچند در آمارگیری نیروی کار از درآمد ناشی از کار افراد سوالی نمی‌شود، اما از آنجایی که واحد تحلیل و مشاهده در "اشتغال فرد" و "معیشت خانوار" متفاوت است، این دو به لحاظ منطقی قابلیت مقایسه تنگاتنگ ندارند. بدیهی است مقایسه وضعیت معیشت خانوارها مستلزم اطلاعات درآمد ناشی از کار همه افراد خانوار می‌باشد.

در این ارتباط، شایان ذکر است سازمان بین‌المللی کار در صدد توسعه شاخصی با نام اشتغال ناقص درآمدی است، که در صورت نهایی شدن آن را به کشورهای عضو پیشنهاد می‌دهد. اشتغال ناقص درآمدی شاخصی است که فرد شاغل طی دوره زمانی مرجع نسبت به شاغلان با موقعیت شغلی مشابه از درآمد کم‌تری برخوردار باشد و خواهان و آماده برای تغییر شرایط شغلی خود باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در این شاخص نیز واحد مشاهده درآمد فرد است نه اعضای خانوار که به معیشت آنان ربط داده شود.

با فرض اینکه اطلاعات درآمد ناشی از کار همه افراد خانوار در نمونه‌های طرح آمارگیری نیروی کار در دسترس بود، از آنجایی که برآوردهای ارائه شده از یک نمونه یک درصدی از خانوارهای کشور است، امکان تهیه لیست خانوارهایی که به واسطه درآمد ناشی از کارشان معیشت آنان مشکل دارد، امکان‌پذیر نیست.

۳- اجتماع و آمارهای بازار کار

۳-۱- ضابطه یک ساعت کار

در ایران و نیز در کشورهای دیگر از دیر زمان ضابطه یک ساعت کار در تعریف بین‌المللی اشتغال زیر سوال و مورد انتقاد قرار گرفته است. گفته می‌شود افرادی که فقط چند ساعت در هفته کار می‌کنند با افراد شاغل تمام وقت متفاوت هستند و اصولاً افرادی که ساعات کمی در هفته کار می‌کنند خودشان را شاغل نمی‌دانند و خودشان را با فعالیت اصلی‌شان مثلاً دانشجوی، بازنشسته، خانه‌دار و ... معرفی می‌کنند یا خودشان را بیکار می‌دانند.

این گونه انتقادات موجب شد تا در سال ۱۹۸۷ بنا به پیشنهاد دولت وقت فرانسه ضابطه یک‌ساعت کار در کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کار مجدداً مطرح و بررسی شود. بعد از بحث و تبادل نظر نتیجه‌گیری رسمی به شرح زیر منتشر شد:

ضابطه "یک‌ساعت کار" تعریف بین‌المللی اشتغال با دقت بررسی شد و به اتفاق آرا توافق گردید که این ضابطه تغییر نیابد زیرا هر تغییری چارجوب اندازه‌گیری جمعیت فعال را که زیربنای استانداردهای بین‌المللی آمار اشتغال و بیکاری است از هم می‌پاشد و باعث ایجاد ناسازگاری با نظام حساب‌های ملی و دیگر مجموعه‌های آماری می‌گردد. در مقابل تاکید شد که داده‌های اشتغال باید بر حسب ساعات کار عرضه شوند و کشورها باید از مفهوم اشتغال ناقص که از توصیه‌های بین‌المللی می‌باشد، استفاده بیش‌تری نمایند (مهران، ۱۳۹۱، ۱۴).

بنابراین، افرادی که با تعریف سازمان بین‌المللی کار در گروه بیکاران قرار می‌گیرند افراد به‌طور مطلق بیکار هستند که حتی یک‌ساعت کار نیز در هفته‌ی گذشته انجام نداده‌اند. البته برای این‌که فردی در گروه بیکاران قرار گیرد باید به‌صورت هم‌زمان سه شرط زیر را دارا باشد:

- فقدان کار

- جویای کار بودن

- آمادگی برای انجام کار (هوسمانز، ۱۳۷۳، ۱۱۱)

به‌همین ترتیب، نرخ بیکاری محاسبه شده با این تعریف، نرخ بیکاری افراد به‌طور مطلق بیکار در اقتصاد است که ذهنیت اقتصادی و ذهنیت اجتماعی در این مورد هم‌پوشانی دارند، اما مناقشه در جایی بین این دو دیدگاه به وجود می‌آید که ذهنیت‌های اجتماعی معیار حداقل یک‌ساعت کار را برای تعیین مرز اشتغال برنمی‌تابند و با دلایلی از جمله عدم‌گذران زندگی با ساعات کار پایین و درآمد کم متناظر با آن، عدم هم‌خوانی کار با مهارت و رشته تحصیلی و مواردی از این قبیل نرخ بیکاری را به چالش می‌کشند. از آنجایی که این مباحث نیز از قدیم الایام در افکار عمومی کشورها وجود داشته است، سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان مرجع مقننه در باب سنجش شاخص‌های بازار کار و به نوعی مشاور مراکز آماری دنیا، انجام مطالعات پژوهشی تطبیقی، توسعه شاخص و توصیه‌هایی را در این ارتباط در دستور کار قرار داده است، که در ادامه و با استفاده از نتایج آمارگیری نیروی کار تشریح می‌شوند:

۳-۱-۱- مطالعات پژوهشی تطبیقی

علی‌رغم قطعنامه و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، این سازمان برای ارزیابی بیش‌تر اثر تغییر ضابطه یک‌ساعت کار در محاسبه‌ی نرخ بیکاری، بررسی گسترده‌ای انجام داده است. هدف این بررسی تعیین میزان تغییرات نرخ بیکاری افرادی است که ساعات کار کمی در هفته دارند. این افراد ممکن است از شاغل به بیکار یا غیرفعال بر حسب وضعیت‌شان جابجا شوند. برای این بررسی ۱۵ کشور از قاره‌های مختلف انتخاب شدند. در این بررسی حداقل ساعات کار برای شاغل محسوب کردن افراد ۱۰ ساعت لحاظ

شده است. جدول شماره ۳ میزان تغییر نرخ بیکاری در این کشورها را نشان می‌دهد (مهران، ۱۳۹۱، ۱۵-۱۴).

همانطور که ملاحظه می‌شود میزان تغییر نرخ بیکاری اساساً ناچیز است. مابین کشورهای مورد بررسی بالاترین میزان ۱/۵ درصد و کم‌ترین ۰/۱ درصد اختلاف محاسبه گردیده است. در هیچ یک از کشورهای در حال توسعه این اثر بیش از ۱ درصد نبوده است.

جدول ۳- اثر تغییر ضابطه یک‌ساعت کار بر نرخ بیکاری در کشورهای منتخب

تغییرات	نرخ بیکاری با انتساب افراد با ۱۰ ساعت کار یا کم‌تر	نرخ بیکاری	
۱/۵ درصد	۶/۰ درصد	۴/۵ درصد	هلند (۲۰۰۶)
۱/۴ درصد	۵/۵ درصد	۴/۱ درصد	سوئیس (۲۰۰۶)
۱/۳ درصد	۴/۷ درصد	۳/۴ درصد	نروژ (۲۰۰۶)
۱/۲ درصد	۶/۵ درصد	۵/۳ درصد	انگلستان (۲۰۰۶)
۰/۸ درصد	۹/۷ درصد	۸/۹ درصد	آرژانتین (۲۰۰۴)
۰/۵ درصد	۹/۸ درصد	۹/۳ درصد	برزیل (۲۰۰۳)
۰/۵ درصد	۷/۱ درصد	۶/۵ درصد	کستاریکا (۲۰۰۳)
۰/۴ درصد	۱۲/۵ درصد	۱۲/۱ درصد	کلمبیا (۲۰۰۵)
۰/۳ درصد	۱۱/۱ درصد	۱۰/۸ درصد	پرو (۲۰۰۳)
۰/۳ درصد	۹/۹ درصد	۹/۶ درصد	حبشه (۲۰۰۳)
۰/۲ درصد	۶/۵ درصد	۶/۳ درصد	کانادا (۲۰۰۵)
۰/۲ درصد	۳/۷ درصد	۳/۵ درصد	مکزیک (۲۰۰۴)
۰/۲ درصد	۱/۷ درصد	۱/۵ درصد	تایلند (۲۰۰۶)
۰/۱ درصد	۴/۳ درصد	۴/۲ درصد	اوندوراس (۲۰۰۳)
۰/۱ درصد	۷/۴ درصد	۷/۳ درصد	رومانیا (۲۰۰۱)

ماخذ: مهران، ۱۳۹۱، ۱۵

همچنین، جدول شماره ۴ تاثیر تفاوت نرخ بیکاری با حداقل ۱ و ۱۶ ساعت کار بر اساس نتایج آمارگیری نیروی کار برای ایران را طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۴ نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود میانگین این مقدار طی دوازده سال گذشته ۱/۰ درصد است و در حد بازه مورد انتظار جهانی قرار دارد.

جدول ۴- مقایسه‌ای نرخ بیکاری با حداقل ۱ و ۱۶ ساعت کار ۹۵-۱۳۸۴

سال												شرح
۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	
۱۱,۵	۱۱,۳	۱۰,۵	۱۰,۴	۱۱,۹	۱۳,۵	۱۲,۳	۱۲,۲	۱۰,۵	۱۰,۶	۱۱,۰	۱۲,۴	نرخ بیکاری با تعریف حداقل ۱ ساعت کار
۱۲,۵	۱۲,۱	۱۱,۳	۱۱,۳	۱۳,۱	۱۴,۷	۱۳,۳	۱۳,۲	۱۱,۳	۱۱,۵	۱۲,۱	۱۳,۸	نرخ بیکاری با تعریف حداقل ۱۶ ساعت کار
۱,۰	۰,۸	۰,۸	۰,۹	۱,۲	۱,۲	۱,۰	۱,۰	۰,۸	۰,۹	۱,۱	۱,۴	تفاوت دو نرخ
۱,۰												میانگین تفاوت دو نرخ

۳-۱-۲- ارائه آمار شاغلان با ساعات کار

جدول شماره ۵ برآورد و توزیع نسبی شاغلان برحسب ساعت کار معمول در هفته در شغل اصلی در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود برآورد تعداد شاغلان در سال ۱۳۹۵ برابر ۲۲۵۸۸۰۵۳ می‌باشد. براساس نتایج ۶۵/۱ درصد شاغلان (۱۴۷۱۴۷۲۶ نفر) در هفته مرجع ۴۴ ساعت و بیش‌تر کار کرده‌اند. به عبارتی، تعداد قابل توجهی از شاغلان بیش از استاندارد کار می‌کنند. در مقابل، فقط ۶ و ۱۰ درصد از شاغلان به ترتیب کمتر از ۱۴ و کمتر از ۱۹ ساعت به‌طور معمول در هفته کار کرده‌اند. همانطور که قبلاً بیان شده این بدان معنی است که فشار ساعت کار کمتر از استاندارد حدود ۳۵ درصد شاغلان توسط حدود ۶۵ درصد دیگر شاغلان که بالاتر از استاندارد کار می‌کنند جبران می‌شود، به گونه‌ای که انگار ۲۲۵۸۸۰۵۳ فرد شاغل چرخ اقتصاد کشور را می‌چرخانند.

جدول ۵- برآورد و توزیع نسبی شاغلان برحسب ساعت کارمعمول در هفته در شغل اصلی در سال ۱۳۹۵

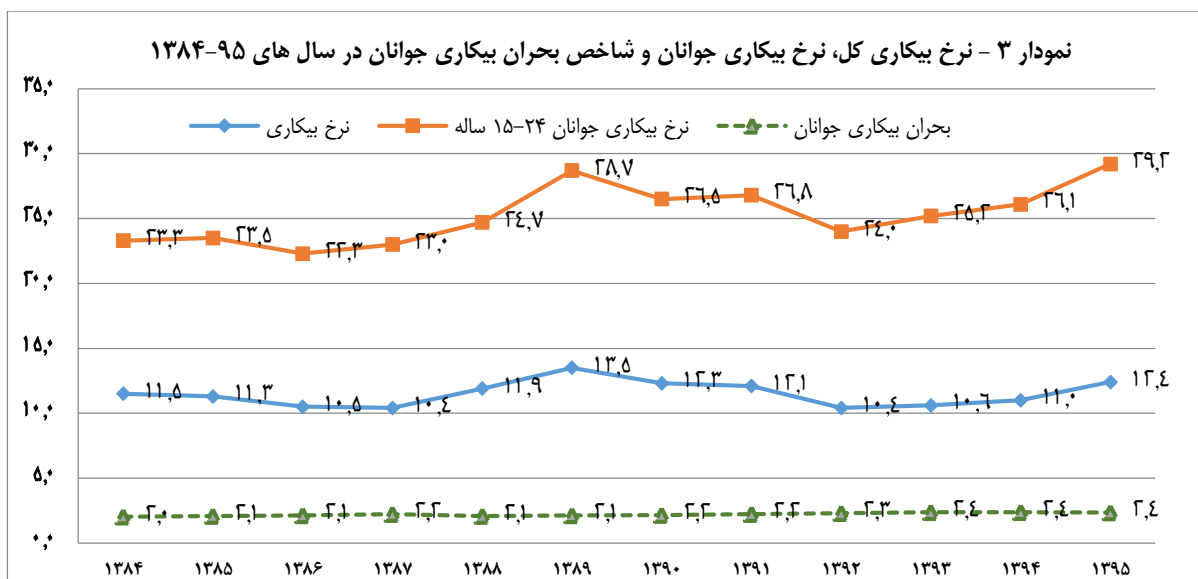
ساعت کارمعمول در هفته	جمع	درصد	درصد تجمعی
کل	۲۲۵۸۸۰۵۳	۱۰۰٫۰	—
کمتر از ۱۴ ساعت	۱۳۵۳۰۸۵	۶٫۰	۶٫۰
۱۴ - ۱۹ ساعت	۸۹۵۸۱۸	۴٫۰	۱۰٫۰
۲۰ - ۲۵ ساعت	۱۷۳۷۹۳۳	۷٫۷	۱۷٫۷
۲۶ - ۳۱ ساعت	۱۰۹۴۲۳۵	۴٫۸	۲۲٫۵
۳۲ - ۳۷ ساعت	۱۳۴۳۶۲۹	۵٫۹	۲۸٫۴
۳۸ - ۴۳ ساعت	۱۴۴۸۶۲۵	۶٫۴	۳۴٫۹
۴۴ - ۴۹ ساعت	۶۲۳۵۸۲۴	۲۷٫۶	۶۲٫۵
۵۰ ساعت و بیش تر	۸۴۷۸۹۰۲	۳۷٫۵	۱۰۰٫۰

۳-۱-۳- نرخ بیکاری جوانان در کنار نرخ بیکاری کل

تصور غالب در باب باورناپذیری نرخ بیکاری تمرکز اذهان بر بیکاری جوانان است. در سال‌های اخیر، به‌علت تحولات چشم‌گیر جمعیتی و در نتیجه افزایش جمعیت جوان در کشور، عرضه‌ی کار با افزایش بیش از حدی مواجه شده و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا، منجر به افزایش تعداد بیکاران به‌ویژه بیکاران جوان شده است. به‌گونه‌ای که در سال‌های گذشته نرخ بیکاری این قشر همواره در وضعیت بحرانی قرار داشته است. شاخص بحران بیکاری جوانان حاصل تقسیم نرخ بیکاری جوانان بر بیکاری کل است. چنانچه حاصل این تقسیم حداقل ۲ باشد، بیکاری جوانان در حالت بحران قرار می‌گیرد. بدیهی است هرچه این عدد بزرگتر از ۲ باشد، عمق بحران بیش‌تر می‌شود (International Labour Organization, 2013, 9). نمودار شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد که شاخص بحران بیکاری جوانان طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۴ همواره بالاتر از مرز بحران قرار گرفته است و با فاصله گرفتن از سال ۱۳۸۴ این شاخص از حداقل ممکن (۲/۰) فاصله گرفته و با رشدی حدود ۲۵ درصدی تا سال ۱۳۹۵ به ۲/۵ می‌رسد. افزایش این شاخص علیرغم کارنامه اقتصادی دولت‌ها در ایجاد شغل برای جوانان گویای ورود کشور به فضای پنجره جمعیتی^۹ و همچنین گرایش زنان تحصیل کرده برای ورود به بازار کار است.

همانطور که در نمودار مذکور مشاهده می‌شود نرخ بیکاری جوانان بسیار بیش‌تر از نرخ بیکاری کل است و این بدان معنا است که اغلب بیکاران جوانان هستند. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ از ۳۲۰۳۳۹۸ نفر بیکار، ۸۶۹۵۳۱ نفر جوان ۲۴-۱۵ ساله و ۱۸۲۷۵۲۵ نفر جوان ۲۹-۱۵ ساله هستند. بنابراین، بیان و تمرکز هم‌زمان نرخ بیکاری کل و نرخ بیکاری جوانان ضرورت دارد و ابهام‌زدا است. بدیهی است در این صورت باور و اعتماد کاربران به نرخ بیکاری بیش‌تر خواهد شد و این رسالتی است که البته و به حق از رسانه‌های عمومی انتظار می‌رود.

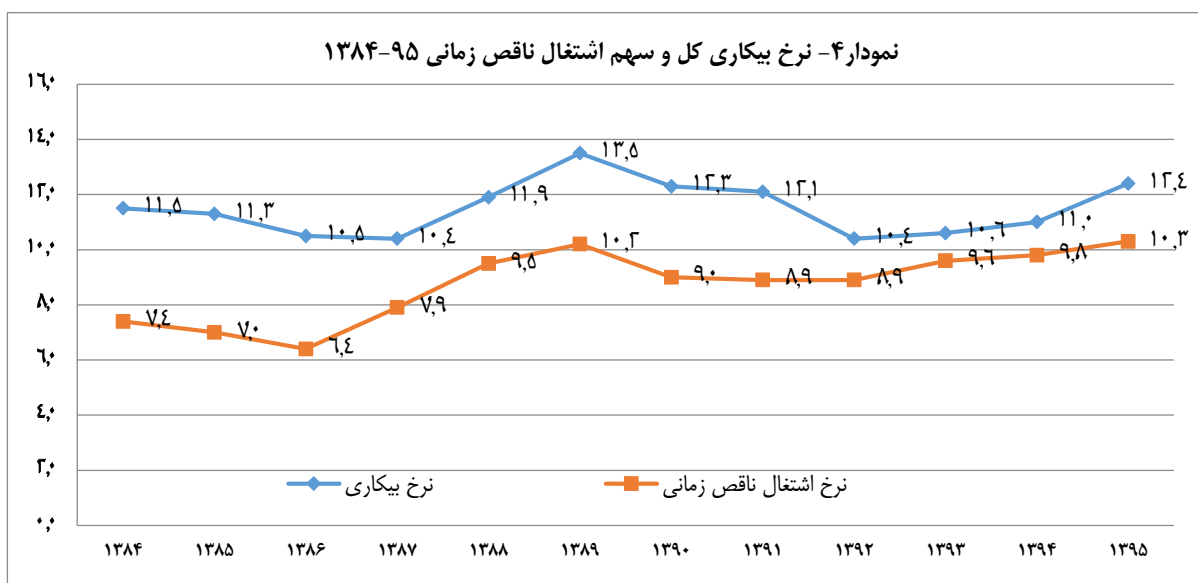
^۹ - جمعیت‌شناسان سنین میان ۱۵ تا ۶۴ سال را به نام سنین فعالیت نام‌گذاری می‌کنند و در هر جامعه‌ای تعداد افراد در سن فعالیت، تعیین‌کننده‌ی حضور نیروی کار در آن جامعه است. چنانچه سهم این گروه سنی در جامعه ای بیش‌تر از سایر گروه‌ها باشد از اصطلاح "شرایط پنجره‌ی جمعیتی" استفاده می‌شود.



۳-۱-۴- سهم اشتغال ناقص زمانی

با این حال، نرخ‌های دیگری نیز در ادبیات بازار کار وجود دارد که در واقع تصویری گویاتر از وضعیت بیکاری و اشتغال نشان می‌دهد. یکی از این نرخ‌ها، سهم اشتغال ناقص زمانی است. افراد دارای اشتغال ناقص زمانی شامل تمام شاغلانی است که در هفته‌ی مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کم‌تر از ۴۴ ساعت کار کرده و خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند (هرندی، ۱۳۸۲، ۵۴). نرخ اشتغال ناقص زمانی نیز برابر است با نسبت جمعیت دارای اشتغال ناقص به جمعیت فعال (همان، ۶۹)

همانطور که در نمودار شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود هم‌زمان با افزایش و کاهش نرخ بیکاری سهم اشتغال ناقص زمانی هم تغییر می‌کند. به عبارتی در زمان انبساط بازار کار و با افزایش فرصت‌های کاری، هم افراد بیش‌تری مشغول به کار خواهند شد و هم شاغلان ساعات کار بیش‌تر و البته مطلوب خود در اختیار خواهند داشت و بالعکس.



۴- نتیجه‌گیری

نرخ بیکاری شاخصی از یک پدیده‌ی اقتصادی با حواشی اجتماعی بسیار است. به تعبیری، این نرخ علاوه بر کاربردهای اقتصادی، متاثر از و موثر بر شرایط غیراقتصادی جامعه نیز هست. از سال ۱۹۸۲ مصوبه سازمان بین‌المللی کار برای تعیین مرز اشتغال و بیکاری و در نتیجه نرخ‌های متناظر با آن یک‌ساعت کار در زمان مرجع است. هر چند از آن زمان تاکنون کشورها متأثر از افکار عمومی این معیار را بارها به چالش کشیده‌اند، لیکن هر بار بعد از بررسی‌ها و نشست‌های لازم مجدداً معیار یک‌ساعت کار مورد تأکید قرار گرفته است. این تأکید از آن رو است:

- این پدیده اقتصادی را باید با معیار مشخص سنجید و نمی‌توان به صورت سلیقه‌ای عمل کرد.
 - با تغییر این معیار یکی از پایه‌های محاسبات ملی به هم خواهد ریخت، چرا که برای محاسبات اقتصاد کلان حداقل کار انجام شده بایستی احصاء شود.
 - بدون معیار یک‌ساعت کار، سنجش بیکاری نیز ممکن نیست.
- در نتیجه، بر اساس آنچه که گفته شد:

- تعیین حداقل یک‌ساعت کار برای برآورد میزان اشتغال می‌باشد و ارتباطی با معیشت خانوار ندارد.
- نتایج آمارگیری نیروی کار برای تامین نیازهای اقتصاد کلان و برنامه‌ریزان است و دغدغه معیشت خانوارها وظیفه سازمان‌های خاص و مرتبط با آنان است.
- از سویی دیگر، این سازمان تأکید می‌کند به منظور اقناع افکار عمومی از شاخص‌های مکمل از جمله سهم اشتغال ناقص زمانی، نرخ بیکاری جوانان و ... استفاده شود که ضمن پابندی به بنیان‌های اقتصادی، سنجش اشتغال و بیکاری همراهی افکار عمومی را نیز به همراه داشته باشد.

۵- منابع

- ۱- هوسمانز، ر.، مهران، ف. و. ورما، وی جی (۱۳۷۳)، آمارگیری‌های جمعیت فعال اقتصادی، اشتغال، بیکاری و اشتغال ناقص، وزارت کار و امور اجتماعی، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی.
- ۲- مهران، فرهاد (۱۳۹۱)، بررسی خطاهای اندازه‌گیری آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- ۳- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، طرح آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۶: راهنمای مامور آمارگیر.
- ۴- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، مجموعه مدارک طرح آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۶.
- ۵- هرندی، فاطمه (۱۳۸۲)، اشتغال، اشتغال ناقص و بیکاری: مفاهیم و شیوه‌های سنجش، پژوهشکده آمار.
- 6- ILO (1982), Resolution concerning statistics the economically active population, employment, unemployment and underemployment, 13th International Conference of Labour Statisticians, Geneva.
- 7- International Labour Organization (1983), the thirteenth international conference of labour statisticians, Geneva, 18-29 October 1982.

8- ILO (2013), global employment trends for youth 2013: A generation at risk, International Labour Office, Geneva.

9- United Nations(2008), Principles and Recommendations for Population and Housing Censuses, revision 2, Department of Economic and Social Affairs, Statistics Division, New York.